

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سیاست قطعی معدل در کنکور سراسری بر کیفیت و عدالت آموزشی تدوین شده است. روش تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی و استفاده از تئوری داده بنیاد بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان علمی و سیاست‌گذاران حوزه کنکور گردآوری شده است. پس از کدگذاری داده‌ها، ۹۸۶ کد استخراج شد که به ۳۰ مقوله فرعی و ۱۱ مقوله اصلی دسته‌بندی گردید. این مقوله‌ها در شش محور اصلی شامل پدیده محوری (عدالت آموزشی)، شرایط علی (سیاست‌های آموزشی دولت، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و کیفیت آموزش)، شرایط زمینه‌ای (ساختار خانواده‌ها و عوامل فرهنگی - اجتماعی)، عوامل مداخله‌گر (فشار روانی و اضطراب دانش‌آموزان)، راهبردها (کمک‌هزینه تحصیلی و سهمیه‌ها) و پیامدها (کاهش شکاف اقتصادی - اجتماعی و نزدیک شدن به عدالت آموزشی) سازمان‌دهی شدند. یافته‌های کلیدی نشان داد که سیاست قطعی معدل می‌تواند به کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی و افزایش عدالت آموزشی کمک کند، اما موفقیت آن به شدت تحت تأثیر عواملی مانند فشار روانی دانش‌آموزان، کیفیت آموزش در مدارس و دسترسی به منابع آموزشی قرار دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی کمک کند تا تصمیمات بهتری در جهت بهبود عدالت و کیفیت آموزشی اتخاذ کنند.

■ واژگان کلیدی

ارزیابی سیاست، تئوری داده بنیاد، عدالت آموزشی، کیفیت آموزش، کنکور سراسری.

واکاوی سیاست تأثیر سابقه تحصیلی در

کنکور سراسری: مبتنی بر تئوری داده بنیاد*

حمیدرضا ملک محمدی

استاد سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(Malek@ut.ac.ir)

منیره سادات حسینی

دانشجوی ارشد سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(monire.hosseini@ut.ac.ir)

سید جلال موسوی خطیر

استادیار مدیریت آموزش عالی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران

(musavi14@yahoo.com)

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه ارشد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در رشته سیاست‌گذاری عمومی با عنوان «بررسی سیاست تأثیر معدل دوره دوم متوسطه در کنکور سراسری از منظر عدالت آموزشی» است.

۱. مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌گذاری آموزشی را می‌توان به عنوان فرآیند تعیین جهت‌گیری کلی نظام آموزشی و تدوین چارچوب‌های لازم برای تحقق اهداف آموزشی تعریف کرد. این فرآیند، تعیین‌کننده راهبردها، سیاست‌ها و استانداردهایی است که به واسطه‌ی آنها، عدالت آموزشی محقق می‌شود (حاجی، ۱۴۰۳: ۴۵). عدالت آموزشی به معنای فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه، صرف‌نظر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهت دسترسی به آموزش باکیفیت و ارتقاء سطح دانش و مهارت است (سماکوش و همکاران، ۱۴۰۳: ۱). این اصل بنیادین، در اسناد بالادستی بسیاری از کشورها و کشور ما، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است. سیاست‌گذاری آموزشی، با تعیین مسیر و اولویت‌های آموزشی، نقش کلیدی در تحقق این اصل ایفا می‌کند.

۱۴۰

از طرف دیگر، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی یکی از چالش‌های بنیادین در حوزه آموزش است که به‌عنوان یک مسئله سیاست‌گذاری، تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه فردی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد (جلالیان بخشنده، ۱۴۰۱: ۲۲). این مسئله به‌ویژه در جوامعی با رقابت بالا برای ادامه تحصیل، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، فرآیند پذیرش در دانشگاه‌ها، به‌ویژه از طریق آزمون‌های رقابتی، نقشی اساسی ایفا می‌کند (نظری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). همچنین فرآیند پذیرش دانشجو از آن جهت برجسته است که ارزش نیروی انسانی متخصص، به‌عنوان موتور محرک توسعه و پیشرفت جامعه، روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. علاوه بر این، با توجه به محدودیت ظرفیت دانشگاه‌ها در رشته‌های پرطرفدار و حساس، افزایش تعداد متقاضیان ورود به این رشته‌ها و ضرورت بهره‌گیری بهینه از توانمندی‌های جوانان و امکانات آموزشی کشور، توجه و دقت در فرآیند پذیرش دانشجو اهمیتی مضاعف می‌یابد (سرو، ۱۳۹۸: ۳۶).

کنکور سراسری به‌عنوان اصلی‌ترین شیوه پذیرش دانشجو در ایران، علی‌رغم تأثیرگذاری عمیق بر مسیر تحصیلی و آینده شغلی جوانان و نقش آن در نظام آموزش عالی، همواره مورد انتقاد بوده است (عبدالله زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲). این آزمون به‌مرور زمان به یک مسئله اجتماعی بدل شده که پیامدهای گسترده‌ای فراتر از حوزه آموزش به همراه داشته است. بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این باورند که کنکور فشارهای روانی، آموزشی و اقتصادی زیادی بر خانواده‌ها تحمیل کرده و تأثیرات منفی بر سلامت روانی و عملکرد

تحصیلی دانش‌آموزان گذاشته است (حسینی، ۱۴۰۳: ۷۰؛ موسوی، اسدپور، سوزنچی، ۱۴۰۲: ۲۵). همچنین، این شیوه ارزیابی به دلیل تمرکز صرف بر حفظیات و توانایی‌های تست‌زنی، زمینه‌های پرورش خلاقیت و مهارت‌های عملی دانش‌آموزان را تضعیف کرده و نگرانی‌هایی را در زمینه عدالت آموزشی و تبعات اجتماعی آن ایجاد کرده است. در پاسخ به این چالش‌ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای را برای اصلاح سازوکار پذیرش دانشجو تصویب کرده است. این سیاست، با هدف کاهش سهم دهک‌های اقتصادی بالاتر در کسب رتبه‌های برتر و ارتقای کیفیت نظام آموزشی، به دنبال تعدیل پیامدهای نامطلوب کنکور بر فرصت‌های برابر تحصیلی است (سرو، ۱۳۹۸: ۳۶؛ اسدپور و موسوی خطیر، ۱۴۰۳). با این حال، پژوهش‌های کمی و کیفی که به ارزیابی این سیاست‌ها پرداخته‌اند، نادر و محدود هستند (Scott, 2024: 19).

این تحقیق با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد، به بررسی تأثیر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)» بر کیفیت و عدالت آموزشی می‌پردازد. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که ارزیابی دقیق این سیاست می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن کمک کرده و راهبردهایی برای بهبود عدالت آموزشی ارائه دهد. این ارزیابی، نه تنها به سیاست‌گذاران امکان اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر را می‌دهد، بلکه می‌تواند در غنای ادبیات سیاست‌گذاری آموزشی و ارتقای توسعه پایدار نظام آموزشی کشور نیز مؤثر واقع شود. در همین راستا، هدف اصلی این مقاله آن است که بررسی کند مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبنی بر تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در فرآیند سنجش و پذیرش دانشجو، تا چه میزان بر تحقق عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش تأثیرگذار بوده است. به عبارت دیگر، هدف اصلی سیاست جدید در نظام سنجش و پذیرش دانشجو، اصلاح شیوه‌های سنجش با تأکید بر تأثیر قطعی سوابق تحصیلی است؛ رویکردی که در راستای تقویت مرجعیت مدرسه، معلم و محتوای رسمی آموزشی تعریف می‌شود. این سیاست در پی آن است تا با فاصله گرفتن از تمرکز مطلق بر کنکور، بر ارزیابی‌های مستمر مدرسه‌ای تکیه کند. در عین حال، گرچه عدالت آموزشی هدف اصلی این سیاست نبوده، اما از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به‌ویژه با توجه به نگرانی‌های موجود درباره تفاوت‌های زیرساختی، کیفیت آموزشی نامتوازن در مناطق مختلف و امکان بروز نابرابری در اجرا. از این رو، ارزیابی دقیق پیامدهای این سیاست بر عدالت آموزشی، امری ضروری تلقی می‌شود.

در همین راستا، پرسش محوری پژوهش نیز حول این محور شکل می‌گیرد که: «سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی تا چه اندازه توانسته است به ارتقای عدالت آموزشی و بهبود کیفیت آموزش منجر شود؟» و سؤالات فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. پدیده اصلی مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدام است؟ ۰۲. شرایط علی مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدامند؟ ۰۳. شرایط زمینه‌ای مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدامند؟ ۰۴. شرایط مداخله‌گر مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدامند؟ ۰۵. راهبردهای مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدامند؟ ۰۶. پیامدهای مؤثر در سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه سنجش و پذیرش در نظام آموزشی انجام شده است که در این بخش به برخی از آنها که در حوزه کنکور کارشناسی است، جهت اختصار در قالب جدول اشاره می‌شود.

۱۴۲

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده / سال	عنوان مقاله	روش پژوهش	یافته‌های پژوهش
قلخان‌باز و خدایی (۱۳۹۲)	تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی داوطلبان آزمون سراسری ۱۳۸۹	توصیفی-اکتشافی	طبق نتایج، تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر رتبه کشوری و موفقیت تحصیلی تأیید شد و داوطلبانی که متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری بوده‌اند، در آزمون رتبه بهتری را کسب کرده‌اند در مناطق مرفه‌تر سکونت داشته‌اند، تعداد اعضا خانواده آنان کمتر بوده و درآمد ماهیانه خانواده و تحصیلات والدینشان بالاتر بوده است.
کیانی (۱۳۹۴)	سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور	کیفی و مصاحبه فردی	روش‌های سنتی سنجش مانند کنکور، باعث محدود شدن برنامه درسی و کاهش خلاقیت معلمان و دانش‌آموزان می‌شود. از طرف دیگر تمرکز صرف بر نتایج یک آزمون سالانه، فرصت نشان دادن توانایی‌های واقعی دانش‌آموزان را محدود می‌کند.

نویسنده / سال	عنوان مقاله	روش پژوهش	یافته‌های پژوهش
فتح‌آبادی، شلانی و صادقی (۱۳۹۶)	تأثیر آزمون سراسری بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی	توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای	کنکور به عنوان یک عامل کلیدی در نظام آموزشی ایران، به‌طور قابل توجهی بر رویکردهای آموزشی معلمان تأثیرگذار بوده است. معلمان تحت تأکید بر اهمیت کنکور، به‌جای پرورش تفکر انتقادی و درک عمیق مفاهیم درسی، بر آموزش نکات تستی و حفظیات متمرکز شده‌اند.
کریمی بهروزیان و همکاران (۱۳۹۷)	طبقه اجتماعی و رتبه کنکور	پیمایشی	نتایج نشان می‌دهد دانشجویانی که از شبکه‌های اجتماعی قوی‌تری برخوردار بوده و هوش شناختی بالاتری داشته‌اند، در آزمون سراسری موفق‌تر بوده‌اند. این پژوهش تأیید می‌کند که عوامل اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی و هوش شناختی، نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانشجویان ایفا می‌کنند.
سوادکوهی خویگانی و زارعی (۱۳۹۹)	پیامدها و چالش‌های ماندن در پشت کنکور	تئوری داده بنیاد	نویسندگان به بررسی چالش‌های ماندن در پشت کنکور پرداختند و نشان دادند ساختار تست محور و برگزاری سالانه کنکور موجب فشار روانی و افت کیفیت یادگیری می‌شود. پژوهش پیشنهاد می‌دهد بازنگری در ساختار و دفعات آزمون می‌تواند این پیامدها را کاهش دهد.
فیروزجایی و همکاران (۱۴۰۰)	آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور	تحلیلی - تطبیقی	نویسندگان با تحلیل آسیب‌های پیش، حین و پس از کنکور، تکیه صرف بر آزمون سراسری را یکی از مشکلات اصلی نظام سنجش ایران دانسته‌اند. آنها با مقایسه بین‌المللی، بر تقویت نقش سوابق تحصیلی، شناسایی استعدادها و مشارکت بیشتر دانشگاه‌ها در پذیرش تأکید کرده‌اند.
تودجی (۱۴۰۱)	تأثیر کنکور بر سلامت روان دانش‌آموزان متوسطه دوم	توصیفی-تحلیلی	تودجی در پژوهش خود نشان می‌دهد که کنکور تأثیرات روانی گسترده‌ای بر دانش‌آموزان متوسطه دوم دارد؛ از اضطراب و تنش‌های شدید پیش از آزمون تا احساس ناامیدی و افسردگی پس از آن. وی بر نقش سرنوشت‌ساز کنکور در تشدید این آسیب‌های روانی تأکید می‌کند.

نویسنده / سال	عنوان مقاله	روش پژوهش	یافته‌های پژوهش
شیخ‌الملوکی و احمدی صفا (۱۴۰۲)	تأثیرات یک آزمون سراسری پرخطر از دیدگاه معلمان و مدیران ^۱	کیفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته	پژوهشگران نشان می‌دهند که کنکور با افزایش فشار روانی و تمرکز بر حفظیات، منجر به یادگیری سطحی و کاهش کیفیت آموزش شده است. معلمان و مدیران مدارس نیز از تغییرات منفی در روش تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی به‌واسطه‌ی تمرکز بر کنکور خبر داده‌اند.
موسوی و همکاران (۱۴۰۲)	شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجوی	روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته	نویسندگان با تحلیل دیدگاه‌های خبرگان، چالش‌هایی مانند تمرکز بیش‌از‌حد بر کنکور، نادیده گرفتن استعدادها، نابرابری آموزشی و فشار روانی را در نظام سنجش شناسایی کرده‌اند. آنها بر لزوم اعتباربخشی به سوابق تحصیلی و تحول بنیادین در سیاست‌گذاری کنکور تأکید دارند.
مک‌میلان (۲۰۱۳)	راهنمای تحقیق سیج در ارزیابی کلاس درس ^۲	توصیفی - تحلیلی	مک میلان در کتاب خود نشان می‌دهد که ارزشیابی کلاسی، به‌ویژه از اواخر قرن بیستم، به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی آموزش مؤثر مورد توجه قرار گرفته است. او با مرور پژوهش‌های قبلی، بر نقش مهم ارزشیابی در یادگیری و انگیزش دانش‌آموزان تأکید می‌کند.
ایگیت (۲۰۱۴)	ارزیابی اثر تست در کلاس درس: روشی مؤثر برای ارزیابی اطلاعات آموخته‌شده ^۳	تحلیلی - مروری	ایگیت در مقاله‌اش تأکید می‌کند که آزمون‌های کلاسی ابزار مؤثری برای ارزیابی و بازبانی اطلاعات یاد گرفته‌شده هستند و می‌توانند به بهبود فرآیند تدریس و یادگیری کمک کنند. او نتیجه می‌گیرد که استفاده هدفمند از آزمون، تأثیر مثبتی بر یادآوری مطالب و تقویت آموزش دارد.
هانگ و لی (۲۰۱۵)	تعامل بین آزمون پرمخاطره و اصلاح برنامه درسی: مطالعه موردی در سرزمین اصلی چین ^۴	تحلیلی و توصیفی	نتایج نشان می‌دهد که بین ارزشیابی و برنامه درسی تعامل دوطرفه وجود دارد و این دو تأثیر متقابلی بر هم دارند.

1. The Impacts of a Nationwide High-Stakes Test from High School Teachers and Principals' Perspectives: A Qualitative Study
2. SAGE handbook of research on classroom assessment
3. Evaluating the Testing Effect in the Classroom: An Effective Way to Retrieve Learned Information
4. Mapping the Interaction between High-stake Testing and Curriculum Reform: A Case Study in Mainland China

با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: بررسی وضعیت کنکور سراسری به‌عنوان یک مقوله اساسی مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران بوده است. همچنین در بررسی پژوهش‌های مختلفی که در ارتباط با کنکور انجام شده است، می‌توان پی برد که مسائل نظام سنجش و پذیرش در پژوهش‌های مختلف متفاوت است و هر یک از صاحب‌نظران و پژوهشگران به عناصر کم‌وبیش متفاوتی اشاره کرده‌اند. مضاف بر این، اکثر این پژوهش‌ها به آسیب‌شناسی کنکور از منظر روانی پرداخته و تأثیرات آن را بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها برشمرده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز به ضرورت حذف کنکور و ارائه راهکارهای جایگزین برای سنجش و پذیرش دانشجو اشاره نموده‌اند. دسته دیگری از پژوهش‌ها به رابطه مستقیم نوع ارزیابی و شیوه مطالعه و یادگیری افراد اشاره کرده‌اند؛ لذا پژوهشی که به سیاست‌های جدید کنکور که همان تأثیر قطعی سابقه تحصیلی در کنکور است، نپرداخته است.

۳. ادبیات نظری

امروزه، تحقیقات نشان داده‌اند که داشتن تحصیلات و هوش منطقی بالا، به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت دانش‌آموزان نیست (Goldman, 2012:93)؛ بنابراین بسیاری از دانشگاه‌های جهان تنها از طریق آزمون کنکور به انتخاب دانشجوی نمی‌پردازند. در ادامه به بررسی نظام‌های مختلف سنجش و پذیرش دانشجو در کشورهای تأثیر آنها بر عدالت آموزشی پرداخته می‌شود (موسوی، اسدپور، سوزنچی، ۱۴۰۲: ۲۳).

۳-۱. ادبیات سیاست کنکور در جهان

کشورهای با نظام متمرکز: در کشورهایی مانند چین، کره جنوبی و ژاپن، فرآیند پذیرش دانشجو تحت نظارت مستقیم دولت صورت می‌گیرد. در این کشورها، آزمون‌های سراسری نقش محوری در تعیین آینده تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.

چین: آزمون گائوکائو (Gaokao) به‌عنوان یکی از سخت‌ترین آزمون‌های ورودی دانشگاه در جهان شناخته می‌شود. این آزمون به‌طور کامل بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان تمرکز دارد و تأثیر قابل توجهی بر زندگی حرفه‌ای و اجتماعی آنها دارد (Vang, 2015:45). با این حال، این نظام به دلیل تمرکز صرف بر حفظیات و توانایی‌های تست‌زنی، با انتقاداتی درباره کاهش خلاقیت و عدم توجه به استعدادهای فردی مواجه شده است.

کره جنوبی: آزمون سوسک (Suneung) نیز به‌عنوان یک رویداد سرنوشت‌ساز در زندگی دانش‌آموزان عمل می‌کند. این آزمون، علاوه بر فشار روانی شدید، باعث ایجاد نابرابری‌های اجتماعی شده است، زیرا دانش‌آموزان دارای منابع مالی بیشتر بهتر می‌توانند از خدمات آموزشی خصوصی استفاده کنند (Kim, 2021: 5).

کشورهایی با نظام نیمه‌متمرکز

در کشورهایی مانند انگلستان و فرانسه، نظام آموزشی و فرایند پذیرش دانشجو در قالبی نیمه‌متمرکز اداره می‌شود.

در فرانسه، وزارت آموزش ملی نقش اصلی را در سیاست‌گذاری آموزشی و تعیین برنامه‌های درسی ایفا می‌کند، اما در سال‌های اخیر بخشی از اختیارات به نهادهای محلی و مؤسسات آموزشی واگذار شده است. پذیرش دانشجو عمدتاً بر اساس نمرات آزمون‌های ملی و سوابق تحصیلی انجام می‌شود که نشان‌دهنده ساختاری نیمه‌متمرکز است (CNOUS, 2025). در انگلستان نیز با وجود تعیین برنامه درسی ملی و استانداردها توسط دولت مرکزی، فرایند پذیرش دانشگاه‌ها تا حدی در اختیار مؤسسات آموزش عالی است. این ترکیب سیاست‌های ملی و اختیارات محلی، ساختار پذیرش دانشجو را نیمه‌متمرکز کرده است (Parliament of the United Kingdom, 2024).

کشورهایی با نظام غیرمتمرکز

در کشورهایی مانند ایالات متحده، استرالیا، کانادا و نروژ، آموزش عالی و فرایند پذیرش دانشجو به‌صورت غیرمتمرکز انجام می‌شود.

در ایالات متحده، دانشگاه‌های معتبر مانند هاروارد و استنفورد علاوه بر نمرات آزمون‌های استاندارد SAT یا ACT، به سوابق تحصیلی، توصیه‌نامه‌ها، مقالات شخصی و فعالیت‌های فوق‌برنامه توجه می‌کنند. این ساختار غیرمتمرکز امکان ارزیابی جامع‌تر توانایی‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان را فراهم می‌کند (Roberts, 2020: 323).

در استرالیا و کانادا، به دلیل ساختار فدرال، ایالت‌ها و استان‌ها اختیار بالایی در سیاست‌گذاری آموزشی دارند و دانشگاه‌ها نیز معیارهای پذیرش خود را تعیین می‌کنند. در این کشورها علاوه بر شاخص‌های ملی مانند ATAR در استرالیا، سوابق تحصیلی، مصاحبه و فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز در ارزیابی داوطلبان لحاظ می‌شود که به افزایش فرصت‌های برابر کمک می‌کند (Kruszynski, 2014: 12).

در نروژ نیز با وجود سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی، اجرای امور آموزشی و پذیرش دانشجو عمدتاً در سطح محلی و مؤسسات آموزشی انجام می‌شود که نشان‌دهنده ساختاری غیرمتمرکز است.

همچنین کشورها را می‌توان بر اساس معیار ارزیابی و برگزاری یا عدم برگزاری آزمون سراسری مستقل از آزمون‌های پایان دوره دبیرستان به دو دسته تقسیم نمود:

دسته «الف»: کشورهایی که یکی از شرایط پذیرش دانشجو در همه یا اکثر مراکز آموزش عالی آنها، شرکت در آزمون‌هایی است که جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش‌دانشگاهی (موسوم به آزمون‌های نهایی) برگزار می‌گردند؛

دسته «ب»: کشورهایی که برای پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آنها، آزمون‌هایی جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش‌دانشگاهی (موسوم به آزمون‌های نهایی) برگزار نمی‌گردد.

جدول ۲: تقسیم‌بندی کشورها بر اساس نوع پذیرش

کشورها	رویکرد	مؤلفه
کانادا، نروژ، برخی دانشگاه‌های آمریکا	عملکرد تحصیلی	معیار ارزیابی
انگلیس، فرانسه، استرالیا، اتریش، ایرلند، مصر	آزمون دوره دبیرستان	
ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، آرژانتین، اسپانیا، بلغارستان، صربستان	آزمون جداگانه	
ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، اسپانیا، اتریش، ایرلند، مصر	متمرکز	میزان تمرکز
آمریکا، استرالیا، کانادا، نروژ	غیرمتمرکز	
انگلیس، فرانسه	نیمه‌متمرکز (ترکیبی)	

شایان ذکر است که سیاست‌های کنکور در کشورهای مختلف، تأثیرات متفاوتی بر عدالت آموزشی دارند که در ادامه در سه بعد دسترسی به آموزش و کیفیت آموزش و شناسایی استعدادها می‌پردازیم.

عدالت در دسترسی به آموزش: در کشورهایی با نظام متمرکز مانند چین و کره جنوبی، علی‌رغم اینکه آزمون‌های سراسری به‌عنوان یک ابزار «عادلانه» برای انتخاب دانشجوی مطرح هستند، اما نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باعث شده است که دانش‌آموزان دارای منابع مالی بیشتر، فرصت‌های بیشتری برای آمادگی برای آزمون داشته باشند (Vang, 2015: 56). عدالت در کیفیت آموزش: در کشورهایی با نظام غیرمتمرکز مانند ایالات متحده، تمرکز بر سوابق تحصیلی و فعالیت‌های فوق‌برنامه به بهبود کیفیت آموزش کمک کرده است. باین حال، این نظام نیز با چالش‌هایی مانند عدم دسترسی برابر به منابع آموزشی و فعالیت‌های فوق‌برنامه مواجه است (Roberts, 2020: 323).

عدالت در شناسایی استعدادها: در کشورهایی مانند استرالیا و کانادا، ترکیبی از معیارهای مختلف برای پذیرش دانشجوی به شناسایی استعدادها و علایق فردی کمک کرده است. این رویکرد به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در رشته‌های موردعلاقه خود تحصیل کنند و به توسعه استعدادهای خود بپردازند (Kruszynski, 2014: 12).

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، مشخص می‌شود که نظام‌های مختلف سنجش و پذیرش دانشجوی در کشورهای جهان، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کشور طراحی شده‌اند. در کشورهایی با نظام متمرکز، فشار روانی و نابرابری‌های اجتماعی از چالش‌های اصلی هستند. در مقابل، نظام‌های غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز به دلیل توجه به معیارهای متنوع‌تر، فرصت‌های برابری را فراهم می‌کنند. این مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که برای دستیابی به عدالت آموزشی، ترکیبی از معیارهای مختلف مانند سوابق تحصیلی، استعدادها و فعالیت‌های فوق‌برنامه ضروری است.

۳-۲. ادبیات سیاست کنکور در ایران

عدم تناسب بین داوطلبان ورود به آموزش عالی و ظرفیت دانشگاه‌ها در قبل از انقلاب موجب شد تا از سال ۱۳۱۷ ابتدا در دانشکده‌های گروه پزشکی، فنی و حقوق دانشگاه تهران آزمون ورودی برگزار شود و بعد از بیست سال، آزمون ورودی از سطح دانشکده‌ای به سطح دانشگاهی توسعه یافت و اولین آزمون ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران برگزار شد. این تبدیل تغییرات مهمی ایجاد کرد، از جمله استفاده از روش چهارگزینه‌ای، کلید در سؤالات و تفکیک مواد امتحانی به عمومی و اختصاصی. در سال تحصیلی ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴، رشته‌های دانشگاهی با توجه به تجانس آنها به ۵ گروه پزشکی و طبیعی، مهندسی

و علوم ریاضی، ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد و علوم اجتماعی و زبان‌های خارجی تقسیم شدند. نخستین آزمون سراسری پس از انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۸ و به دو روش متمرکز و نیمه‌متمرکز انجام شد و اسامی پذیرفته‌شدگان از طرف سازمان سنجش اعلام شد (موسوی، اسدپور، ۱۴۰۳: ۶). پس از انقلاب نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان دو متولی اصلی به سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در نظام سنجش و پذیرش دانشجویان جهت ورود به دانشگاه‌ها پرداختند که در نتیجه آن آزمون سراسری یک بار در سال، متمرکز و کشوری توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شد. در سالیان اخیر نیز سابقه تحصیلی یا همان نمرات آزمون‌های نهایی دوره متوسطه دوم به صورت تأثیر مثبت وارد فرآیند سنجش داوطلبان شد. آخرین تغییرات انجام شده در زمینه کنکور مربوط به سیاست‌های سنجش و پذیرش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۰ هست که بر اساس آن، سابقه تحصیلی به‌صورت تأثیر قطعی در نظر گرفته می‌شود. ریشه‌های مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۰ به تلاش‌های قانونی پیشین برای اصلاح نظام کنکور بازمی‌گردد. در سال ۱۳۹۲، مجلس شورای اسلامی قانونی تحت عنوان «قانون حذف کنکور»^۱ را تصویب کرد که هدف آن کاهش فشار روانی ناشی از کنکور و استفاده از سوابق تحصیلی به عنوان جایگزینی برای آزمون سراسری بود. در ادامه، اصلاحاتی در سال ۱۳۹۵ برای افزایش نقش معدل در فرآیند پذیرش دانشجو صورت گرفت.^۲ با این حال، به دلیل چالش‌هایی مانند نبود زیرساخت‌های اجرایی و مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی، این قوانین به مرحله اجرا نرسیدند و عملاً ناکارآمد باقی ماندند. این ناکامی‌ها، نیاز به یک رویکرد جامع‌تر و سازمان‌یافته‌تر برای اصلاح نظام سنجش و پذیرش را بیشتر نمایان ساخت.

شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف تحقق اهداف مندرج در نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام سنجش و پذیرش دانشجویان، اقدام به انجام مطالعات گسترده و مشورت‌های همه‌جانبه نمود. این فرآیند با تکیه بر پژوهش‌های پیشین و جمع‌آوری نظرات متنوع از طیف وسیعی از ذینفعان، نشان‌دهنده اهمیت و حساسیت بالای موضوع در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰). این مطالعات و مشورت‌ها موجب

۱. قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور: مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۳۰

۲. قانون اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور: مصوب

شکل‌گیری مصوبه‌ای شد که می‌توان آن را پاسخگویی به نیازهای موجود در نظام آموزشی و تلاش برای اصلاح چالش‌های موجود دانست. این مصوبه به‌ویژه بر قطعی شدن تأثیر امتحانات نهایی تأکید داشت و سهم معدل در فرآیند پذیرش را به طور پلکانی افزایش داد. با تصویب اصلاحیه‌ای در سال ۱۴۰۱، تلاش شد تا این سیاست با هماهنگی بیشتری اجرا شود و در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ عملیاتی گردید. هدف این مصوبه ایجاد تعادلی میان کیفیت آموزشی، ارتقای بهبود فرآیند پذیرش و کاهش وابستگی به آزمون‌های متمرکز تستی بود.

۴. اجرای پژوهش

به‌منظور بررسی سیاست تأثیر سابقه تحصیلی در کنکور سراسری، از روش تحقیق تئوری داده بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان و صاحب‌نظران سیاست‌گذاری و سنجش و پذیرش، افراد باتجربه و مسئولان بخش‌های مختلف سنجش و پذیرش بوده است. برای انجام این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful Sampling) استفاده شده است که در آن افراد بر اساس معیارهای مشخصی انتخاب شدند. معیار انتخاب افراد داشتن تجارب پژوهشی مرتبط یا داشتن تجارب کاری مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو یا حوزه آموزش بوده است؛ لذا داشتن فقط سابقه مسئولیت برای انتخاب کفایت نمی‌کرد و در بین مسئولان فعلی و سابق، کسانی انتخاب شدند که در این زمینه از تخصص و سواد کافی نیز برخوردار بودند. در نتیجه مصاحبه‌شوندگان صاحب‌نظر در زمینه سیاست‌گذاری، سنجش و ارزشیابی، علوم تربیتی، آموزش عالی، مدیریت و یا روانشناسی بوده‌اند که در نظام آموزشی کشور دارای تجربه پژوهشی یا اجرایی مرتبط نیز بوده‌اند. در مرحله اول داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. برای دستیابی به اشباع نظری (Theoretical Saturation)، داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها به صورت مداوم و موازی با فرآیند جمع‌آوری داده‌ها تحلیل شدند. اشباع نظری پس از مصاحبه با ۱۳ نفر از صاحب‌نظران کلیدی، زمانی حاصل شد که داده‌های جدیدی که از مصاحبه‌ها به دست می‌آمد، دیگر اطلاعات جدیدی را به مدل نظری در حال شکل‌گیری اضافه نمی‌کردند. مصاحبه‌ها در جلساتی که از قبل تعیین شده بودند برگزار می‌شد. سؤالات اصلی مبتنی بر هدف پژوهش طراحی شده بودند. از جمله از آنها خواسته می‌شد تا ضمن تشریح مشکلات اصلی در ابعاد مختلف سیاست‌های سنجش و پذیرش، به تشریح راهکارها و ایده‌های بهبود آن از منظر تخصص و تجربه‌ای که داشتند، بپردازد. پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی

مصاحبه توسط محققان شنیده شد و تمام صحبت‌های انجام‌شده در نرم‌افزار مایکروسافت وُرد پیاده‌سازی شد. مشخصات صاحب‌نظران کلیدی و مشارکت‌کننده در بخش مصاحبه در جدول ۲ ارائه‌شده است.

تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس مراحل سه‌گانه روش تئوری داده بنیاد (Grounded Theory) انجام گرفت. این مراحل شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بودند:

کدگذاری باز^۱ در این مرحله، تمام متن مصاحبه‌ها خط به خط خوانده شد و داده‌ها به کدهای اولیه تقسیم شدند. این کدها شامل واژگان، عبارات یا مفاهیمی بودند که مستقیماً از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج‌شده بودند. هدف از این مرحله، شناسایی مفاهیم اصلی و نوآورانه بود.

کدگذاری محوری^۲ در این مرحله، کدهای اولیه به دسته‌های مرتبط گروه‌بندی شدند و روابط بین آنها شناسایی گردید. این کار منجر به شکل‌گیری مقوله‌های اصلی و فرعی شد که هر یک به‌عنوان بخشی از مدل نظری در حال توسعه قرار گرفتند.

کدگذاری انتخابی^۳ در این مرحله، مقوله‌های اصلی و فرعی به یکدیگر مرتبط شدند و یک مدل نظری کلی از موضوع پژوهش شکل گرفت. این مدل شامل عوامل علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای مرتبط باسیاست تأثیر قطعی معدل در کنکور سراسری بود.

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

تعداد	مختصات مصاحبه‌شونده‌ها	متغیر جمعیت شناختی
۳	صاحب‌نظر و متخصص حوزه سنجش و آموزش	سطح مدیریتی
۲	نماینده مجلس شورای اسلامی	
۲	مدیر و سیاست‌گذار شورای عالی انقلاب فرهنگی	
۲	صاحب‌نظر و هیئت‌علمی دانشگاه	
۲	مدیر و سیاست‌گذار وزارت آموزش و پرورش	
۲	مدیر و سیاست‌گذار سازمان سنجش و آموزش کشور	
۰	زیر شش سال	سابقه خدمت
۵	هفت الی سیزده سال	
۸	چهارده سال به بالا	
۲	زن	جنسیت
۱۱	مرد	

بررسی صحت علمی مطالعات کیفی شامل چهار معیار قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات، تأیید پذیری و قابلیت انتقال می‌شود. برای کسب قابلیت اعتبار در این پژوهش تلاش شد تا اولاً از روش خود بازبینی پژوهشگر استفاده شود ثانیاً تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان با تنوع در تجربیات انتخاب شوند. همچنین مصاحبه‌ها تا ۱۳ صاحب‌نظر و مدیر اجرایی ادامه یافت تا به مرحله اشباع نظری رسانده شد و مناسب‌ترین واحد معنایی انتخاب شد. ثالثاً اعتبار داخلی تحلیل محتوی از طریق روایی صوری ارزیابی شد و به منظور روایی محتوی، علاوه بر بازبینی کدها و متن‌های مصاحبه‌ها، در مواردی که منظور مصاحبه‌شونده به درستی درک نشده بود، با تعامل یا تماس با وی، شفاف‌سازی شد. جهت افزایش ثبات نیز از روش

بررسی دقیق داده‌ها توسط سه ناظر خارجی از بین متخصصان مرتبط (یک عضو هیئت علمی دانشگاه و یک کارشناس در شورای عالی انقلاب فرهنگی و یک دانشجوی دکتری علوم سیاسی) استفاده گردید.

۵. یافته‌های پژوهش

براساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی از ۱۳ مصاحبه صورت گرفته ۹۸۶ کد استخراج و تحلیل کدها به شناسایی ۳۰ مقوله فرعی منجر گردید که در نهایت از دسته‌بندی آنها ۱۱ مقوله اصلی استخراج شد. روابط بین مقوله‌های شکل گرفته در داده‌ها نشان داد که الگوی شکل گرفته با شکل اصلی پارادایمی اشتراک و کوربین تطابق دارد. یعنی پدیده محوری عدالت آموزشی متأثر از شرایط علی بوده و خود بر راهبردها تأثیرگذار است، همچنین راهبردها تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، پیامدهای مرتبط با پدیده مورد بررسی را شکل می‌دهند؛ در ادامه به تشریح مقوله‌های الگوی مذکور و ذکر نمونه‌ای از نقل قول‌های مصاحبه‌شونده‌ها در هر مورد می‌پردازیم.

۵-۱. شرایط علی

مصاحبه‌شوندگان شرایط علی متعددی را برای بهبود نظام سنجش و پذیرش دانشگاه مطرح کردند. این شرایط علی به سه دسته تقسیم شده‌اند که شامل ۲۱۷ کد اولیه، ۱۱ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی است که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: عوامل علی مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

مصاحبه شونده	کدها	مقولات نرضی	مقولات اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۹ م، ۱۲ م، ۱۱ م، ۱۰ م، ۶ م، ۷ م، ۵ م	خودمختاری مدارس - انواع مدارس - نقش دولت در مدیریت آموزش - حاکمیت آموزشی - تمرکززایی - نقش مدیران - ارزیابی عملکرد مدارس - روش‌های تدریس - ارزیابی یادگیری - تعامل معلم و دانش‌آموز - آموزش الکترونیکی - زیرساخت‌های فناوری - مشارکت اولیا - مشارکت نهادهای غیردولتی - مهارت‌های معلمان	مدیریت و سازماندهی آموزش	سیاست‌های آموزشی دولت		
۱۳ م، ۸ م، ۱۱ م، ۷ م، ۱۰ م	بودجه عمومی آموزش - توزیع بودجه - معیارهای بودجه - شفافیت بودجه - همکاری با بخش خصوصی	تأمین مالی آموزش			
۹ م، ۱۳ م، ۶ م، ۲ م، ۵ م	توتوعات والدین - انگیزه تحصیلی فرزندان - اهمیت آموزش در خانواده - نقش الگویی والدین - ارتباط والدین با مدرسه - ارزش قائل شدن برای تحصیلات - شبکه‌های اجتماعی	سطح تحصیلات والدین	وسعت اقتصادی خانواده‌ها		
۶ م، ۱۲ م، ۸ م، ۱۱ م، ۸ م، ۷ م، ۱۳ م، ۴ م	هزینه‌های کتاب و لوازم‌التحریر - شهریه مدارس - هزینه کتاب‌های کمک‌آموزشی - هزینه آزمون‌های آزمایشی - هزینه مشاور و برنامه‌ریزی - هزینه‌های رفت‌وآمد	تولایی مالی برای پرداخت هزینه‌های تحصیل			
۳ م، ۷ م، ۱۳ م، ۹ م، ۱۱ م، ۱۰ م، ۲ م، ۱۲ م	سطح اجتماعی - اقتصادی خانواده - چشمتغله بودن - ثبات شغلی - بیکاری	شغل والدین			
۹ م، ۵ م، ۸ م، ۱۱ م، ۱۳ م، ۴ م، ۲ م	تجهیزات آموزشی - فضای آموزشی - دسترسی به اینترنت - توزیع معلمان - صلاحیت معلمان - تعداد معلمان - منابع دیجیتال - تأسیسات مدرسه - کتاب‌های درسی	توزیع عادلانه منابع آموزشی			
۹ م، ۱۳ م، ۴ م، ۱۰ م	دسترسی به کتابخانه - تنوع مواد آموزشی - در دسترس بودن کتاب‌های درسی - پروژادان مواد آموزشی - تناسب با برنامه درسی - سیستم توزیع مواد آموزشی	مواد آموزشی			
۱۲ م، ۱۱ م، ۱۰ م، ۸ م	تسلط بر محتوای درسی - تسلط بر فناوری آموزشی - آشنایی با روش‌های تدریس نوین - برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان - مدیریت کتاب درس - ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان	صلاحیت معلمان			
۱۰ م، ۶ م، ۵ م	استفاده از روش‌های تدریس فعال - تلفیق روش‌های تدریس - استفاده از فناوری در تدریس	روش‌های تدریس			
۲ م، ۱۰ م	ارزیابی عملکردی - ارزیابی شفاهی - ارزیابی کتبی - رصد کلاس	ارزیابی یادگیری			
۹ م، ۱۱ م، ۶ م، ۴ م	پنفرم‌های یادگیری آنلاین - وبسایت‌های آموزشی - شبکه‌های اجتماعی یادگیری آموزشی	استفاده از فناوری در آموزش			

۱۵۴

مبتنی بر جدول فوق، عوامل علی مؤثر بر عدالت آموزشی در نظام سنجش و پذیرش دانشجو را می‌توان در سه سطح اصلی تحلیل کرد: نخست، سیاست‌های آموزشی دولت که با تعیین معیارهای ورود به آموزش عالی، نقشی بنیادین در توزیع فرصت‌های تحصیلی ایفا می‌کنند. دوم، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها که با سطح دسترسی به منابع آموزشی باکیفیت، در شکل‌گیری نابرابری‌های تحصیلی مؤثر است. سوم، کیفیت آموزش مدارس که به سطح تخصص معلمان، روش‌های تدریس و امکانات آموزشی وابسته است و می‌تواند فاصله آموزشی

میان مناطق مختلف را تعمیق بخشد. افزون بر این، دسترسی نابرابر به منابعی همچون کتاب‌های مناسب، اینترنت، کلاس‌های تقویتی و مشاوره تحصیلی، شکاف در فرصت‌های یادگیری و در نهایت موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را گسترش می‌دهد.

۵-۲. شرایط زمینه‌ای

مصاحبه‌شوندگان شرایط زمینه‌ای متعددی را برای بهبود کنکور وردی دانشگاه مطرح کردند که شامل ۱۹۰ کد اولیه، ۶ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی است و در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: شرایط زمینه‌ای مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

مصاحبه‌شونده	کدها	مقولات فرعی	مقولات اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۳ م، ۹ م، ۷ م، ۱۱ م	طلاق - کوچک‌شدن خانواده - تأثیر شهرنشینی بر خانواده	انواع خانواده	ساختار خانواده‌ها	تأثیر خانواده بر موفقیت تحصیلی	تأثیر خانواده بر موفقیت تحصیلی
۶ م، ۱۱ م، ۱۰ م، ۸ م، ۳ م	گرمی و محبت - کنترل - استقلال - مسئولیت‌پذیری - ارتباط - انضباط	سیکهای فرزندپروری	حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده		
۹ م، ۱۱ م، ۱ م، ۵ م، ۷ م، ۲ م	صمیمیت در خانواده- تشویق عملکرد دانش‌آموز- همدلی خانواده- امنیت عاطفی- جو مثبت	حمایت‌های عاطفی و روانی خانواده	روانی خانواده		
۴ م، ۱۳ م، ۹ م	تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش‌های تحصیلی خانواده- میزان استفاده خانواده از خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی- میزان ارتباط والدین با مدرسه و معلمان فرزندان	شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات خانوادگی	شبکه‌های اجتماعی		
۸ م، ۱۳ م، ۱ م، ۴ م، ۱۱ م	ارزش قائل شدن برای مشاغل خاص- اهمیت تحصیلات عالی در خانواده/جامعه- نگرش مثبت/منفی به تحصیل دختران- تأثیر گروه‌های همسالان بر انتخاب‌های تحصیلی/شغلی	هنجارها و ارزش‌های اجتماعی	عوامل فرهنگی و اجتماعی		
۵ م، ۳ م، ۱۱ م، ۱۲ م، ۸ م، ۶ م	همکلاسی‌ها و دوستان- مشاوران تحصیلی و تربیتی- والدین- رسانه‌ها	کنشگران اجتماعی	کنشگران اجتماعی		

عوامل اجتماعی - فرهنگی و ساختار خانوادگی به عنوان شرایط زمینه‌ای، نقش بنیادینی در بازتولید یا کاهش نابرابری‌های آموزشی ایفا می‌کنند. نگرش خانواده به آموزش، میزان سرمایه فرهنگی و حمایت روانی - اجتماعی از فرزندان، در تبیین تفاوت‌های عملکرد تحصیلی

میان دانش آموزان نقش کلیدی دارد. خانواده‌هایی که تحصیل را یک ارزش تلقی می‌کنند، از طریق تقویت انگیزه درونی، ارتقای انتظارات تحصیلی و فراهم‌سازی محیطی حمایتگر، زمینه‌ساز دسترسی منصفانه‌تر به فرصت‌های یادگیری می‌شوند. افزون بر این، باورها و هنجارهای فرهنگی مسلط، به‌ویژه در حوزه جنسیت، می‌توانند محدودکننده مسیرهای تحصیلی برخی گروه‌های اجتماعی، از جمله دختران، باشند.

۵-۳. شرایط مداخله‌گر

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط مداخله‌گر شامل ۱۸۵ کد اولیه، ۵ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی است که در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

مصحح‌شونده	کدما	مقولات فرعی	مقولات اصلی	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری
۸ م، ۴ م، ۵ م، ۱۱ م، ۹ م، ۱۳	حجم زیاد تکالیف - امتحانات و آزمون‌ها - رقابت تحصیلی - ترس از شکست - انتظارات بالای والدین و معلمان - عدم تطابق توانایی‌ها با انتظارات - مشکلات در یادگیری	عوامل تحصیلی	فشار روانی و اضطراب روی دانش‌آموزان		
۵ م، ۱۳ م، ۱ م	تغییر مدرسه - مسائل خانوادگی - فشار همسالان	عوامل اجتماعی			
۱۰ م، ۱۱ م، ۹ م، ۷ م، ۴ م، ۲ م	شخصیت کمال‌گرا - ترس از آینده - کمبود اعتمادبه‌نفس - مشکلات خواب - مشکلات تغذیه - بیماری جسمی	عوامل روانی و جسمی			
۳ م، ۱ م، ۵ م، ۶ م، ۱۰ م	مدت‌زمان مطالعه - کیفیت مطالعه - انگیزه و هدف‌گذاری - پایداری و پشتکار - مدیریت زمان - استفاده از تکنیک‌های مطالعه	عوامل مرتبط با تلاش	میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور		
۴ م، ۷ م، ۱۲ م، ۱۱ م، ۳ م	توانایی درک مفاهیم - حافظه - خلاقیت - توانایی حل مسئله - علاقه به رشته تحصیلی - توانایی‌های ذهنی عمومی	عوامل مرتبط بااستعداد			

بر اساس جدول فوق، شرایط روانی و آموزشی، به عنوان عوامل مداخله‌گر، نقش مهمی در شکل‌گیری نابرابری‌های آموزشی ایفا می‌کنند. فشارهای روانی ناشی از آمادگی برای کنکور مانند اضطراب، استرس و انتظارات بالا توانایی دانش‌آموزان را برای بهره‌گیری از استعداد و تلاش هدفمند کاهش می‌دهد، به ویژه در غیاب حمایت‌های مشاوره‌ای و محیط‌های

آموزشی مناسب. در نتیجه، دانش آموزانی که از منابع روانی و آموزشی کمتری برخوردارند، با موانع جدی تری در مسیر موفقیت تحصیلی مواجه می‌شوند و این امر به بازتولید نابرابری و تضعیف عدالت آموزشی می‌انجامد.

۵-۴. راهبردها

مصاحبه‌شوندگان راهبردهای متعددی را برای بهبود نظام سنجش و پذیرش دانشگاه مطرح کردند که این راهبردها به دو دسته تقسیم شده‌اند و شامل ۲۱۷ کد اولیه، ۴ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی است که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۶: راهبردهای مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

مصاحبه شونده	کدها	مقولات فرعی	مقولات اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
م، ۵، ۳، ۱، ۱۱، ۹ م	شانه خالی کردن دولت از وظایفش - بخش خصوصی	دولت و بخش خصوصی	کم‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم‌برخورداران	راهبردها	عدالت آموزشی
م، ۶، ۱۲، ۴، ۹، ۳ م	برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی - ساخت و تجهیز فضاهای آموزشی - تأمین تجهیزات آموزشی - ارائه خدمات آموزشی رایگان	نقش نهادهای غیردولتی و خبریه‌ها			
م، ۱۲، ۵، ۳، ۱۰ م	میزان تأثیر سهمیه‌ها - گروه‌های مشمول سهمیه - مناطق جغرافیایی مشمول سهمیه - شرایط احراز سهمیه -	تعديل سهمیه‌ها	سهمیه‌ها		
م، ۱۱، ۹، ۴، ۲، ۵ م	ایجاد سقف برای استفاده از سهمیه - مصاحبه و ارزیابی‌های تکمیلی - برگزاری دوره‌های آموزشی برای مشمولین سهمیه -	بازنگری در سهمیه‌ها			

راهبردهای ارائه‌شده در سطح کلان نظام آموزشی، به‌ویژه در زمینه باز توزیع منابع، بهبود کیفیت آموزش و اصلاح سیاست‌های پذیرش، نقش کلیدی در تحقق عدالت آموزشی ایفا می‌کنند. تخصیص هدفمند منابع مالی به مناطق محروم، ارتقای زیرساخت‌ها، جذب و توانمندسازی نیروی انسانی آموزشی، و ارائه حمایت‌های اقتصادی و مشاوره‌ای، به کاهش شکاف‌های ساختاری میان مناطق برخوردار و کم‌برخوردار و کم‌برخوردار می‌شود و امکان بهره‌مندی برابر از فرصت‌های آموزشی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی، با تنوع‌بخشی به مسیرهای یادگیری و تسهیل دسترسی به منابع آموزشی، می‌تواند به تقویت عدالت توزیعی و فرصت محور کمک کند.

سطح سیاست‌گذاری، بازنگری در سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو نیز باهدف کاهش تبعیض و افزایش شفافیت، گامی در جهت ترمیم سازوکارهای ناعادلانه گذشته و بازتعریف مسیرهای ورود به آموزش عالی است.

۵-۵. پیامدها

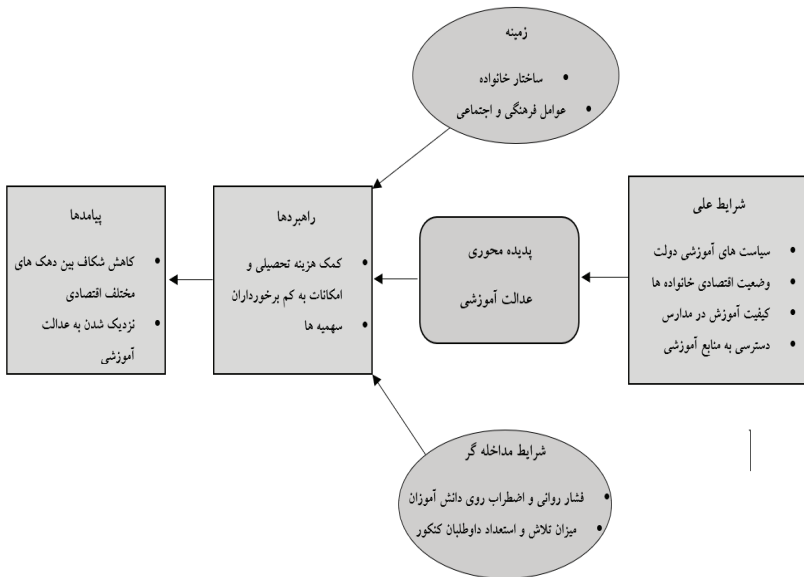
مصاحبه‌شوندگان پیامدهای متعددی را برای بهبود نظام سنجش و پذیرش دانشگاه مطرح کردند که این پیامدها به دو دسته تقسیم شده‌اند و شامل ۱۷۷ کد اولیه، ۴ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی است که در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷: پیامدهای مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

مصاحبه شونده	کدها	مقولات فرعی	مقولات اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
م ۱۲، م ۸، م ۵، م ۱۰، م ۱، م ۱۳	نسبت دهک‌های بالا به پایین - توزیع عادلانه منابع آموزشی - توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی	شکاف اقتصادی	کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی	پیامدها	عدالت آموزشی
م ۷، م ۳، م ۱۲، م ۱۰، م ۲، م ۵	تفاوت در دستمزدها مشاغل - ناعادلانه بودن درآمد - شکاف طبقاتی - فشار اقتصادی بر دهک‌های پایین	توزیع درآمد و ثروت	توزیع عادلانه به		
م ۱۳، م ۷، م ۱۰، م ۲، م ۱۱	توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی - توزیع عادلانه منابع	توزیع عادلانه	نزدیک شدن به عدالت آموزشی		
م ۵، م ۱۰، م ۷، م ۸	تراکم بالای کلاس‌ها - کمبود امکانات مناطق محروم - دوری مدرسه - مشکل رفت و آمد	برابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی			

پیامدهای راهبردهای مذکور را می‌توان در چارچوب تحقق عدالت آموزشی از منظر کاهش نابرابری‌های ساختاری و ارتقای برابری در دسترسی به فرصت‌های یادگیری تحلیل کرد. توزیع عادلانه منابع آموزشی، اصلاح نظام سهمیه‌بندی و ارائه حمایت‌های مالی هدفمند، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، ظرفیت باز توزیع فرصت‌های آموزشی را در نظام آموزشی فراهم می‌سازد. این اقدامات با کاهش فاصله عملکرد تحصیلی میان دهک‌های درآمدی، زمینه ارتقای عدالت توزیعی، رویه‌ای و توانمند ساز را فراهم می‌کنند.

مقولات اصلی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه در این تحقیق با روش داده بنیاد با رویکرد نظام‌مند ذیل شش بخش استخراج شده است که در نمودار شماره یک قابل مشاهده است.



نمودار ۱: مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

نتیجه گیری

قانون جدید سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، تحولی بنیادین در نظام آموزشی کشور ایجاد کرده است. این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی، به بررسی دقیق اهداف، اثربخشی و پیامدهای این قانون پرداخته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که این قانون با تأکید بر اهمیت معدل تحصیلی در کنکور سراسری، تغییرات قابل توجهی را در نظام آموزشی کشور ایجاد کرده است. هدف اصلی قانون جدید، ارتقای کیفیت آموزش در مدارس و بازگرداندن توجه دانش‌آموزان به فرایند یادگیری و کاهش تأکید بر روش‌های صرفاً تست‌زنی بوده است.

در همین راستا، مصاحبه‌شونده‌ای بر این باور است که تغییر روش آموزش از حافظه محوری به خواندن و درک مفهومی مهم‌ترین هدف این مصوبه است و بر این اساس بیان می‌دارد: «... هدف اصلی مصوبه، بازگرداندن دانش‌آموزان به کلاس درس و کتاب‌های درسی است. با افزایش سهمیه امتحانات نهایی، دانش‌آموزان مجبور شده‌اند بیشتر به مطالب درسی توجه کنند و کمتر به مؤسسات کنکوری وابسته شوند. این تغییر موجب بهبود کیفیت

یادگیری و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان شده است...» (م ۴). مصاحبه‌شونده دیگری کاهش اضطراب را هدف اصلی مصوبه مذکور می‌داند و بر این اساس بیان می‌دارد: «... هدف اصلی تغییر نظام کنکور، کاهش فشار روانی ناشی از آزمون سراسری و سوق دادن دانش‌آموزان به سمت یادگیری مستمر در طول سال است. افزایش تأثیر نمرات امتحانات نهایی، اهمیت عملکرد دانش‌آموزان در طول دوره متوسطه را افزایش داده و باعث ایجاد تعادل بین آزمون سراسری و یادگیری مستمر شده است. به این ترتیب، سرنوشت دانش‌آموزان تنها به یک آزمون چهارساعته گره نخورده است...» (م ۱۰). نتایج پژوهش حاکی از آن است که این هدف تا حد زیادی محقق شده است. با افزایش تأثیر معدل و قطعی شدن آن در کنکور، دانش‌آموزان و مدارس به سمت یادگیری عمیق و مفهومی سوق پیدا کرده و اهمیت نقش معلم در فرآیند آموزش بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

یکی دیگر از اهداف مهم این قانون، تحقق عدالت آموزشی و افزایش فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان بوده است. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان که برقراری عدالت آموزشی را مهم‌ترین هدف این مصوبه می‌داند معتقد است: «... هدف اصلی تغییر روش کنکور، بازگرداندن اهمیت یادگیری عمیق و فهم مطالب درسی از طریق استفاده از سؤالات کتاب درسی است. این تغییر با هدف ایجاد فرصت برابر برای همه دانش‌آموزان و کاهش تأثیر کلاس‌های کنکوری بر آموزش صورت گرفته است...» (م ۸).

مصاحبه‌شونده دیگری کاهش شکاف عمیق بین دهک‌های بالا و پایین اقتصادی را هدف این مصوبه می‌داند و بر این اساس بیان می‌دارد: «... هدف این مصوبه مشخصاً این است که از شکاف عمیق بین دهک‌های بالا و پایین اقتصادی در سهم صندلی‌های تاپ دانشگاه‌ها کم کند البته نه که آن را به صفر برساند؛ چون اصولاً چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؛ اما حداقل می‌شود از این شکاف کم کرد؛ بالاخره امتحان تشریحی است و دیگر مهارت‌های تستی مبنای سنجش قرار نمی‌گیرد...» (م ۱۲). تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سهم داوطلبان از دهک‌های اقتصادی پایین در رتبه‌های برتر کنکور به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این امر نشان می‌دهد که قانون جدید به نفع طبقات کم‌درآمد عمل کرده و شکاف آموزشی بین گروه‌های مختلف اجتماعی را کاهش داده است. در ادامه مؤلفه‌های اصلی که بر اساس مصاحبه‌ها استخراج شده است تبیین می‌شود:

شرایط علی: «سیاست‌های آموزشی دولت»، «وضعیت اقتصادی خانواده‌ها»، «کیفیت آموزش در مدارس» و «دسترسی به منابع آموزشی» از شرایط علی بودند که به اختصار تبیین می‌شود:

الف) سیاست‌های آموزشی دولت: در اینجا منظور ما به طور خاص سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو هست که این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدالت آموزشی است. این سیاست‌ها در واقع تعیین می‌کنند که چه افرادی و با چه معیارهایی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی راه پیدا کنند. در واقع، این سیاست‌ها دریچه‌ای ورود به آموزش عالی را شکل می‌دهند و به طور مستقیم بر فرصت‌های تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارند. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... بنابراین، نحوه انتخاب داوطلبان، به طور مستقیم بر میزان عدالت در سیستم آموزشی ما اثرگذار است...» (م ۴).

ب) وضعیت اقتصادی خانواده‌ها: دسترسی به منابع آموزشی با کیفیت که اغلب به وضعیت اقتصادی خانواده وابسته است، نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... خانواده‌هایی که از نظر مالی توانمندتر هستند، معمولاً می‌توانند هزینه‌های آموزشی بیشتری را متحمل شوند که این هزینه‌ها شامل شهریه مدارس خصوصی و غیرانتفاعی، کلاس‌های تقویتی، کتاب‌های کمک‌درسی و تست‌زنی می‌شود...» (م ۱۱).

پ) کیفیت آموزش در مدارس: کیفیت آموزش در مدارس به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شرایط علی، تابعی از عوامل مختلفی از جمله سطح علمی معلمان، روش‌های تدریس، امکانات آموزشی است. نابرابری در دسترسی به این عوامل، به طور مستقیم بر کیفیت آموزش و در نتیجه، فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهند که سطح کیفیت آموزش در مدارس مختلف، حتی در یک شهر واحد، یکسان نبوده و تفاوت‌های چشمگیری بین مناطق مختلف کشور مشاهده می‌شود. این امر حاکی از آن است که توزیع عادلانه منابع آموزشی و نیروی انسانی متخصص در سیستم آموزشی کشور، با چالش‌هایی جدی مواجه است. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... رتبه‌بندی معلمان نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش، نقش مهمی دارد. معلمان باصلاحیت بالاتر و تجربه بیشتر، معمولاً آموزش‌های باکیفیت‌تر و مؤثرتری نسبت به دانشجو معلمان دارند. با این حال، توزیع نامتوازن معلمان باصلاحیت در مناطق مختلف کشور، می‌تواند به تشدید نابرابری‌های آموزشی دامن بزند و معلمی که در مدارس غیرانتفاعی تهران تدریس

می‌کند کیفیت و شیوه آموزش متفاوتی با معلمی که حتی در مناطق جنوبی تهران تدریس می‌کنند دارد حال سایر شهرها که جای خود دارد...» (م ۷).

ث) دسترسی به منابع آموزشی: دسترسی به منابع آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. این دسترسی، به مجموعه‌ای از عوامل مانند کتاب‌های درسی مناسب، اینترنت پرسرعت، امکانات آزمایشگاهی، کلاس‌های تقویتی، مشاوران تحصیلی، محیط مطالعه، کتاب تست مناسب و... مناسب اشاره دارد؛ نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... طبقه برخوردارتر معمولاً دسترسی بیشتری به منابع آموزشی دارد و می‌تواند هزینه بیشتری کند و طبیعتاً در کنکور هم نتیجه بهتری می‌گیرد...» (م ۱۳).

شرایط زمینه‌ای: ساختار خانواده‌ها و عوامل فرهنگی و اجتماعی از شرایط زمینه‌ای مبتنی بر یافته‌ها است که به اختصار تبیین می‌شود:

الف) ساختار خانواده‌ها: ساختار خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش فرد نسبت به تحصیل و در نهایت موفقیت تحصیلی او ایفا می‌نماید. خانواده‌هایی که تحصیل را به‌عنوان یک ارزش بنیادین تلقی می‌کنند و به طور فعال از فرزندان خود حمایت می‌کنند، معمولاً شاهد موفقیت تحصیلی بیشتری در فرزندان خود هستند. در مقابل، در خانواده‌هایی که به دلایل مختلفی مانند شرایط اقتصادی نامناسب یا باورهای فرهنگی محدودکننده، به تحصیل اهمیت کمتری می‌دهند، فرصت‌های تحصیلی فرزندان محدود شده و انگیزه آنها برای یادگیری کاهش می‌یابد؛ بنابراین برای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری‌های تحصیلی، ضروری است که به نقش محیط خانواده و جامعه در شکل‌گیری نگرش و رفتارهای تحصیلی توجه ویژه‌ای شود و برنامه‌های مداخله‌ای مناسب برای تقویت انگیزه تحصیلی و بهبود شرایط یادگیری در همه گروه‌های اجتماعی طراحی و اجرا گردد. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... ساختار خانواده‌ها و فرهنگ خانوادگی هم اهمیت زیادی دارد؛ مثلاً در خیلی از شهرها تحصیلات یک ارزش است و اهمیت دارد که طرف چه رشته‌ای خوانده و در کدام دانشگاه تحصیل کرده است؛ ولی در بعضی مناطق تحصیلات اصلاً اهمیتی ندارد، به‌خصوص در مورد دختران که معمولاً زودتر ازدواج می‌کنند و خانه‌دار می‌شوند و تحصیل را رها می‌کنند...» (م ۹).

ب) عوامل فرهنگی و اجتماعی: نظام آموزشی خود بخشی از بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه است و می‌تواند در بازتولید یا تغییر هنجارها، ارزش‌ها، و ساختارهای اجتماعی نقش داشته باش؛ بنابراین، عدالت آموزشی نه تنها به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است که در آن آموزش ارائه می‌شود. تحقق عدالت آموزشی مستلزم درک چگونگی تأثیر متقابل عوامل فرهنگی و اجتماعی و اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که ضمن رفع موانع ساختاری و فرهنگی، به ارتقا برابری و انصاف در نظام آموزشی منجر شود. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... به نظر من، عدالت آموزشی فقط به ساختن مدرسه و استخدام معلم نیست؛ خیلی مهم است که ببینیم در هر منطقه، فرهنگ و باورهای مردم چیست و چطور روی درس خواندن بچه‌ها، مخصوصاً دخترها، تأثیر می‌گذارد. اگر به اینها توجه نکنیم، هرچقدر هم امکانات بدهیم، باز هم ممکن است یک عده از بچه‌ها از تحصیل جا بمانند...» (م ۱۱).

شرایط مداخله‌گر: بر اساس یافته‌ها، اضطراب ناشی از کنکور و آزمون‌های نهایی و میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور را به‌عنوان دو مقوله مداخله‌گر در نظر گرفته شد.

الف) فشار روانی و اضطراب روی دانش‌آموزان: مطالعات نشان داده‌اند که فشار روانی و اضطراب به عنوان دو عامل مهم، تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارند. این عوامل با ایجاد اختلال در فرآیندهای شناختی، کاهش انگیزه، و کاهش اعتماد به نفس، به طور مستقیم بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. همچنین، عواقب جسمی مانند اختلال در خواب و مشکلات جسمانی ناشی از اضطراب، به طور غیرمستقیم بر توانایی دانش‌آموزان در یادگیری و تمرکز تأثیر می‌گذارند. در نتیجه، کاهش فشار روانی و اضطراب در محیط‌های آموزشی، می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک شایانی کند. البته گفتنی است که درباره این مقوله دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری وجود دارد که نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه را مرور می‌کنیم: «... تغییرات اخیر در سیستم کنکور، با کاهش تأکید بر یک آزمون واحد و افزایش اهمیت سوابق تحصیلی، به طور قابل توجهی از فشار روانی بر دانش‌آموزان کاسته و محیطی آرام‌تر برای یادگیری فراهم کرده است. این امر به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا با آرامش بیشتری به تحصیل پرداخته و در صورت بروز اشتباه، فرصت جبران داشته باشند. در نتیجه، انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری افزایش و کیفیت آموزش بهبود یافته است...» (م ۶). «... به نظر من کنکور به‌خودی‌خود اضطراب دارد و حالا دیگر این امتحانات نهایی هم مزید بر علت شده‌اند. قبلاً

حداقل بچه‌ها می‌دانستند یک کنکور ۴ ساعته پیشرو دارند و بعد تمام می‌شود؛ اما آلان ۳۰ امتحان نهایی داریم درواقع به‌جای یک کنکور ما داریم از بچه‌ها ۳۰ کنکور می‌گیریم و هر کدام از اینها فشار و اضطراب زیادی را ایجاد می‌کند که تأثیرات آن بعداً ممکن است جبران‌ناپذیر باشد...» (م ۸).

ب) میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور: میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور، به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر، به‌شدت بر نتایج آنها تأثیر گذار است. این دو عامل، همچون دو بال برای رسیدن به موفقیت در کنکور عمل می‌کنند. تلاش مستمر و برنامه‌ریزی شده، به داوطلبان کمک می‌کند تا بر کمبودهای خود غلبه کرده و نقاط قوت خود را تقویت کنند. از سوی دیگر، استعداد ذاتی، توانایی در یادگیری سریع‌تر و عمیق‌تر مطالب را فراهم می‌آورد. اما باید توجه داشت که داشتن استعداد به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست و تلاش مستمر، پشتکار و مدیریت زمان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. درواقع، تلاش می‌تواند استعداد را شکوفا کند و فرد را به اوج موفقیت برساند. همچنین، داوطلبانی که از استعداد کمتری برخوردار هستند، با تلاش مضاعف می‌توانند به نتایج قابل قبولی دست یابند. به‌طور کلی، تعامل بین تلاش و استعداد، یک عامل تعیین‌کننده در موفقیت در کنکور است و با مدیریت صحیح این دو عامل، می‌توان به نتایج دلخواه دست‌یافت. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... مؤسسات آموزشی نقش مهمی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارند، اما موفقیت در کنکور تنها به آموزش‌های مؤسسات وابسته نیست. عوامل دیگری مانند تلاش فردی، استعداد و برنامه‌ریزی شخصی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. درواقع، بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که دانش‌آموزان از آموزش‌های مؤسسات استفاده کرده و در کنار آن، تلاش شخصی خود را نیز به‌کارگیرند...» (م ۲).

راهبردها: کمک‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم برخورداران و ساماندهی سهمیه‌ها از راهبردهای مهم اصلاح نظام سنجش و پذیرش دانشجو است.

الف) کمک‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم برخورداران: برای تحقق عدالت آموزشی در مناطق کم برخوردار، دولت باید با اولویت‌بندی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، زمینه رشد و توسعه همه افراد جامعه را فراهم آورد. افزایش چشمگیر بودجه‌های آموزشی و اختصاص سهم قابل توجهی از آن به مناطق محروم، از گام‌های اساسی در این مسیر است. علاوه بر تأمین نیازهای مالی دانش‌آموزان از طریق کمک‌هزینه‌های تحصیلی، دولت باید به ارتقای کیفیت آموزشی نیز توجه ویژه داشته باشد. تجهیز مدارس به امکانات مدرن، جذب و تربیت نیروی

انسانی متخصص، برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای معلمان و ایجاد مراکز مشاوره، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش در این مناطق کمک شایانی کند. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در مناطق کم برخوردار نیز از دیگر راهکارهای مؤثر برای ارتقای سطح دانش و مهارت دانش‌آموزان و دانشجویان این مناطق به شمار می‌رود. با فراهم کردن امکان دسترسی به اینترنت پرسرعت و منابع آموزشی متنوع، می‌توان دانش‌آموزان را به سمت یادگیری فعال و خودانگیزسته سوق داد. همچنین، ایجاد همکاری‌های بین بخشی و مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش، می‌تواند به تکمیل زنجیره خدمات آموزشی در این مناطق کمک کند. با اتخاذ این راهبردها، می‌توان به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد و کاهش شکاف آموزشی بین مناطق برخوردار و کم برخوردار کمک کرد.

۱۶۵

نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... می‌شود کمی هم به دولت خرده گرفت که از وظایف خودش شانه خالی می‌کند و بیشتر وظایفش را هل می‌دهد به سمت خصوصی در حالی که می‌تواند بودجه‌ای به این مناطق اختصاص بدهد برای ساخت مدرسه و امکانات آموزشی و بالا بردن کیفیت آموزش در این مناطق...» (م ۱).

ب) سهمیه‌ها: مسئله سهمیه‌های کنکور به عنوان یکی از چالش‌های جدی نظام آموزش عالی کشور، همواره با واکنش‌های مختلفی همراه بوده است. این موضوع که در برخی مقاطع با حاشیه‌های سیاسی نیز درآمیخته است، به یکی از دغدغه‌های مهم جامعه تبدیل شده و به طور مرتب در فضای عمومی مطرح می‌شود. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... باید تغییراتی در سهمیه‌ها ایجاد شود، نمی‌شود با سیاست‌ها و سهمیه‌بندی‌های دهه ۶۰ که صرفاً جغرافیایی بوده همان را در دهه ۱۴۰۰ به کار برد و با توجه به اطلاعات کلانی که در دست داریم و با این فناوری پیشرفته و هوش مصنوعی و... الزامی است که تغییراتی جهت نزدیک شدن به عدالت آموزشی صورت گیرد...» (م ۱۰). البته شایان ذکر است که مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر بازنگری و اصلاح سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو، گامی مهم در جهت رفع این چالش محسوب می‌شود.^۱ این

۱. «الزام بازنگری و اصلاح سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو به تفکیک استانی» که در جلسه ۹۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است؛ به شرح ذیل برای اجرا ابلاغ می‌گردد: «ماده واحد - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف حداکثر است ظرف مدت ۳ ماه با همکاری سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نسبت به بازنگری تمامی سهمیه‌های سنجش و پذیرش

تصمیم که در پی مباحثات گسترده پیرامون این موضوع اتخاذ شده است، نویدبخش تحولات اساسی در نظام پذیرش دانشجو است. هر چند هنوز نتایج نهایی این تغییرات مشخص نیست، اما این رویداد نشان‌دهنده توجه جدی مسئولان به ضرورت اصلاحات در این حوزه است. پیامدها: کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی و نزدیک شدن به عدالت آموزشی از پیامدهای اصلاح مصوبه نظام سنجش و پذیرش دانشجو است.

الف) کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی: کاهش شکاف اقتصادی دهک‌های مختلف اقتصادی از طریق توزیع عادلانه منابع آموزشی، تعدیل سهمیه‌ها و ارائه کمک‌هزینه تحصیلی به مناطق محروم، گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت آموزشی است. با اجرای این راهبردها می‌توان به کاهش نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهبود نتایج تحصیلی دانش‌آموزان در تمامی گروه‌های اجتماعی کمک کرد.

ب) نزدیک شدن به عدالت آموزشی: اگر عدالت آموزشی را به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی که نیازهای متفاوت دانش‌آموزان را برآورده کند در نظر بگیریم می‌توان گفت با راهبردهای ارائه‌شده و اجرایی کردن آنها به عدالت آموزشی نزدیک‌تر خواهیم شد. همچنین با توجه به داده‌های بخش‌های قبل مشاهده شد که با اعمال و اجرایی شدن سیاست تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه در کنکور سراسری به عدالت آموزشی نزدیک‌تر شده‌ایم. نمونه‌ای از نقل قول مصاحبه‌شونده‌ها در این زمینه: «... سیستم کنکور کنونی با وجود سهمیه‌های منطقه‌ای، به دلیل تفاوت‌های موجود در امکانات آموزشی و دسترسی به آموزش‌های تکمیلی، فرصت‌های برابر و عادلانه‌ای را برای همه دانش‌آموزان فراهم نمی‌کند. افزودن سوابق تحصیلی به کنکور تا حدودی این شکاف را کاهش داده است، اما همچنان نابرابری‌هایی وجود دارد. برای رسیدن به عدالت کامل، اصلاحات اساسی در سیستم کنکور و آموزش و پرورش ضروری است...» (م ۱۲).

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش، با وجود تلاش برای ارائه تحلیلی عمیق از پیامدهای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ بر عدالت آموزشی، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که در تفسیر و تعمیم نتایج باید مورد توجه قرار گیرد.

دانشجو؛ اقدام و طرح تفکیک استانی سهمیه‌ها را جهت تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرا از سال ۱۴۰۵؛ به ستاد علم و فناوری دبیرخانه این شورا پیشنهاد نماید». ۱. سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)

۱. ماهیت کیفی تحقیق و استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد، گرچه امکان دستیابی به درک عمیق تری از تجربیات و دیدگاه‌های متخصصان را فراهم کرده، اما تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر زمینه‌ها و گروه‌ها محدود می‌سازد.

۲. داده‌های پژوهش صرفاً از طریق مصاحبه با خبرگان سیاست‌گذاری در سطوح مختلف (از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت آموزش و پرورش) گردآوری شده است و امکان جمع‌آوری داده‌های مکمل از سطوح میانی و عملیاتی (نظیر معلمان، مدیران مدارس و دانش‌آموزان) به دلیل محدودیت زمانی و دسترسی میسر نبوده است؛ امری که می‌توانست به غنای تحلیل و جامع‌نگری یافته‌ها بیفزاید.

۳. پویایی و ناپایداری سیاست‌های آموزشی در کشور، به‌ویژه در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو، موجب می‌شود تحلیل پیامدهای یک سیاست خاص، وابسته به بستر زمانی و تحولات جاری باشد و لذا تداوم یا تغییر این سیاست در آینده می‌تواند بر تفسیر نتایج این تحقیق تأثیرگذار باشد. در نهایت، اگرچه در انتخاب مشارکت‌کنندگان تلاش شده است نوع نهادی و دیدگاه رعایت شود، اما به دلیل دشواری‌های دسترسی به برخی از تصمیم‌گیران کلیدی یا منتقدان جدی، امکان انعکاس همه طیف‌های نگرشی به طور کامل فراهم نبوده است. با این حال، تلاش شده است با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای و تحلیل عمیق روایت‌ها، از سوگیری احتمالی در نتایج کاسته شود.

پیشنهادها

پیشنهادهای ارائه‌شده در این پژوهش نتیجه‌ای استنتاجی از داده‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده با صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران در این حوزه است. این پیشنهادها بر شواهد موجود در داده‌ها و نتایج تحقیق استوار است و به طور مستقیم نمایانگر نیازها و چالش‌های اصلی در فرآیند سیاست مورد بررسی است. ساختار و محتوای این پیشنهادها با توجه به تجزیه و تحلیل عمیق اطلاعات و درک دقیق از وضعیت موجود نظام آموزشی کشور و بالأخص سیاست تأثیر قطعی مدل در کنکور سراسری طراحی شده‌اند. حل مسئله کنکور، مستلزم یک تحول بنیادین در نظام آموزشی و اجتماعی کشور است. مسئله کنکور در ایران، ریشه در ساختارهای عمیق اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد و برای حل ریشه‌ای این مشکل، نیازمند یک رویکرد جامع، چندجانبه و ترکیبی هستیم که هم‌زمان به اصلاحات در نظام

آموزشی، اقتصادی و اجتماعی بپردازد. نگرش جامعه به تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان تنها مسیر موفقیت، نابرابری آموزشی و عدم تطابق آموزش عالی با نیازهای بازار کار، از جمله عواملی هستند که در کنار اصلاحات در نظام آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد. در ادامه پیشنهادهای پژوهش حاضر ارائه می‌گردد:

۱. براساس عوامل علی مؤثر در پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و مدیران نظام آموزشی کشور برنامه‌ریزی لازم جهت بهبود کیفیت آموزش مدارس که به سطح تخصص معلمان، روش‌های تدریس و امکانات آموزشی وابسته است همت گمارند.
۲. همچنین مبتنی بر عوامل علی مؤثر در پژوهش پیشنهاد می‌شود که وزارت آموزش و پرورش؛ دسترسی به منابعی همچون کتاب‌های مناسب آموزشی، اینترنت مطلوب، کلاس‌های تقویتی و مشاوره تحصیلی را در مدارس دولتی تقویت کند.
۳. مبتنی بر شرایط زمینه‌ای، پیشنهاد می‌شود ارزش‌های فرهنگی و علمی در بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها از طریق آموزش و پرورش و رسانه‌ها، خصوصاً رسانه ملی تقویت و نهادینه شود. نگرش خانواده به آموزش، میزان سرمایه فرهنگی و حمایت روانی - اجتماعی از فرزندان، در تبیین تفاوت‌های عملکرد تحصیلی میان دانش‌آموزان نقش کلیدی دارد. خانواده‌هایی که تحصیل را یک ارزش تلقی می‌کنند، از طریق تقویت انگیزه درونی، ارتقای انتظارات تحصیلی و فراهم‌سازی محیطی حمایتگر، زمینه‌ساز دسترسی منصفانه‌تر به فرصت‌های یادگیری می‌شوند.
۴. بر اساس بررسی عوامل مداخله‌گر پژوهش، پیشنهاد می‌شود تبلیغات زیاد، مضر و غیرعلمی از طریق رسانه‌ها مدیریت و مهار شود تا محیط آموزشی آرام برای دانش‌آموزان و داوطلبین ایجاد شود. همچنین در غیاب حمایت‌های مشاوره‌ای و محیط‌های آموزشی مناسب، فشارهای روانی ناشی از آمادگی برای کنکور مانند اضطراب، استرس و انتظارات بالا توانایی دانش‌آموزان را برای بهره‌گیری از استعداد و تلاش هدمند کاهش می‌دهد.
۵. مبتنی بر یافته‌های بخش پیامدهای پژوهش مذکور، پیشنهاد می‌شود که توزیع عادلانه منابع آموزشی و همچنین اصلاح نظام سهمیه‌بندی و حمایت‌های مالی هدمند، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار صورت گیرد. این اقدامات با کاهش فاصله عملکرد تحصیلی میان دهک‌های درآمدی، زمینه ارتقای عدالت توزیعی، رویه‌ای و توانمند ساز را فراهم می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، یکی از راهبردهای کلیدی برای ارتقای عدالت آموزشی در فرآیند پذیرش

دانشجو، بازنگری و تعدیل نظام سهمیه‌بندی است. این موضوع، به دلیل پیچیدگی‌ها و ابعاد مختلف آن، نیازمند بررسی‌های جامع و دقیق است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با اعمال تغییرات مشخص در نظام سهمیه‌بندی، می‌توان به عدالت آموزشی نزدیک‌تر شد. ۶. در پایان، شایان‌ذکر است که بررسی عدالت آموزشی بر پایه داده‌های کیفی دارای محدودیت‌هایی در تعمیم‌پذیری است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، با بهره‌گیری از داده‌های آماری و ثبتي همچون نمرات سراسری، نرخ قبولی مناطق مختلف و شاخص‌های نابرابری آموزشی، تحلیل دقیق‌تری از عدالت آموزشی صورت گیرد.

منابع

۱. تودجی، نغمه (۱۴۰۱). تأثیر کنکور بر سطح سلامت روان دانش‌آموزان متوسطه دوم. ۲۲-۱۳.
۲. جلائیانیان بخشنده، وجیهه. غلامی کوتنایی، کوروش (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی نابرابری آموزشی و فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی ۱۲(۳۸). ۱۳۲-۱۰۳.
۳. حاجی، سعید. (۱۴۰۳). رهبری و سیاست‌گذاری آموزشی. فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش‌وپرورش. ۲(۲۳)۲. ۴۶-۳۹.
۴. حسینی، سید سهراب. جوکار، علی. عزت کام، محمدرضا. (۱۴۰۳). تأثیر استرس کنکور بر سلامت جسمی دانش‌آموزان. پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی. ۵(۶۱).
۵. سرو، محمد. هزارجریبی، جعفر. کرمی قهی، محمدتقی. انتظاری، اردشیر. (۱۳۹۸). نسبت سیاست‌های توسعه آموزش عالی و تقاضای اجتماعی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی. ۱۱(۴۱)۷۲-۳۳.
۶. سماکوش، صادق. گرگانی، محمدباقر. بابا زاده، مبینا. تقوی، امیررضا. (۱۴۰۳). سیاست‌های آموزشی و تأثیر آنها بر عدالت آموزشی در آموزش‌وپرورش. ماهنامه پایا شهر. ۶(۶۶).
۷. سوادکوهی خویگانی، مهسا. زارعی محمودآبادی، حسن. (۱۴۰۰). پیامدها و چالش‌های ماندن در پشت کنکور: مطالعه داده بنیاد. علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. ۹.
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۴۰۰). کد خبر: ۱۷۸۴۳. قابل دسترسی در: <https://B2n.ir/u36092>.
۹. فتح‌آبادی، جلیل. صادقی، سعید و شلانی، بیتا. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی. روانشناسی فرهنگی. ۲۱(۲). ۷۱-۴۹.
۱۰. فتح‌آبادی، جلیل. صادقی، سعید و شلانی، بیتا. (۱۳۹۶). تأثیر آزمون سراسری بر تدریس و ارزشیابی از دیدگاه معلمان. نامه آموزش عالی. ۱۰، ۲۶-۷.
۱۱. فیروزجایی، کاظم. شجاعتی، علی. شهرام، ایمان و خادمی، فاطمه. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو (مطالعه تطبیقی). پژوهش‌های تربیتی. ۲، ۷۷-۴۹.
۱۲. قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور: مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۳۰. قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/865812>.
۱۳. قانون اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور: مصوب ۱۳۹۵/۰۴/۰۲. قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/973718>.
۱۴. قلخانباز، فاطمه. خدایی، ابراهیم. (۱۳۹۳). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی داوطلبان آزمون سراسری ۱۳۸۹ بر موفقیت تحصیلی آنها. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. ۴(۵)، ۷۹-۵۵.
۱۵. کریمی بهروزیان، احمد. افقی، نادر. عباداللهی چندانق، حمید. (۱۳۹۷). طبقه اجتماعی و رتبه کنکور: مطالعه‌ای انتقادی در دانشگاه بوعلی سینای همدان. جامعه‌شناسی ایران. ۱۹(۱)، ۶۷-۲۷.
۱۶. کیانی، غلامرضا. (۱۳۹۴). سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور: چرایی، چستی، و چگونگی تغییر. مطالعات زبان و ترجمه. ۴۸(۴).
۱۷. اسدپور، مجید. موسوی، سعید جلال. (۱۴۰۳). راهکارهای دستیابی به حکمرانی مؤثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو. نامه آموزش عالی. ۱۷(۶۸)، ۱۷۰-۱۵۰.
۱۸. موسوی، سعید جلال. اسدپور، مجید. سوزنچی کاشانی، ابراهیم. (۱۴۰۲). شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و دانشگاه. آموزش عالی ایران. ۱۵(۳)، ۴۲-۲۰.

19. Abdolazhadeh, N., Bolandhematan, K., & Shirbagi, N. (2021). Privatization of schools and reproduction of educational inequality; the construction of experiences of principals of high school students in Sanandaj. *Social Development & Welfare Planning*, 12(48), 147-186. 2021.Doi: 60201.2159qjst/10.22054/org.doi.
20. Ahmadi Safa, M., & Sheykhmololuki, H. (2023). The Impacts of a Nationwide High-Stakes Test from High School Teachers and Principals' Perspectives: A Qualitative Study. *International Journal of Language Testing*, 13(1), 104-132. Doi:10.22034/ijlt.2022.352176.1179.
21. Atabek Yigit, E., Balkan Kiyici, F., & Çetinkaya, G. (2014). Evaluating the Testing Effect in the Classroom: An Effective Way to Retrieve Learned Information. *Eurasian Journal of Educational Research*, 54, 99-116. Doi:10.14689/ejer.2014.54.6.
22. Raad Thaidan. Washback in Language Testing. *Education Journal*. Vol. 4, No. 1, 2015, pp. 5-8. Doi: 10.11648/j.edu.20150401.12.
23. Goldman, S. R. (2012). Adolescent literacy: Learning and understanding content. *The Future of Children*, 89-116. DOI: 10.1353/foc.2012.0011.
24. Huang, X. H. & Lee, J. C. K. (2015). Mapping the Interaction between High-stake Testing and Curriculum Reform: A Case Study in Mainland China. *Curriculum and Teaching*, 30 (2), 81- 98. Doi:10.7459/ct/30.2.06.
25. Kim, D. (2021). The Race for the Perfect Score: The Detrimental Effects of the South Korean Education System. *The Cornell Diplomat*, (6), 5-6.
26. Kruszynski, W. P. (2014). Canadian University Early Admission Policies for Gifted and Talented Students. The University of Western Ontario (Canada). <https://ir.lib.uwo.ca/etd/2377>.
27. K. Massoud, H., & Ayoubi, R. M. (2019). Do flexible admission systems affect student enrollment? Evidence from UK universities. *Journal of Marketing for Higher Education*, 29(1), 84-101. Doi: 10.1080/08841241.2018.1562507
28. McMillan, J. H. (Ed.). (2013). *SAGE handbook of research on classroom assessment*. Sage.
29. Nazari, F., Pirootiaghdam, M., & Zovko, M. E. (2022). Educational inequalities in Iran based on the viewpoints of educational experts and qualified high school teachers. *Distinctio: Journal of Intersubjective Studies*, 1(2), 73-93. Doi:10.56550/d.1.2.3.
30. Roberts, L. W. (2020). The new MCAT exam and the continuing imperative of holistic review in the selection of medical students. *Academic Medicine*, 95(3), 323-326. Doi: 10.1097/ACM.0000000000003123.
31. Scott Jaschik. (2024). Study finds impact of attending poor high school follows one to college. Inside Higher Ed | Higher Education News, Events and Jobs. <https://www.insidehighered.com/news/2014/01/27/study-finds-impact-attending-poor-high-school-follows-one-college>.
32. Universities Admissions Centre Marketing and Engagement. (2025). ATAR - Australian Tertiary Admission Rank - UAC. <https://www.uac.edu.au/future-applicants/atar>
33. Vang, L. (2015). The impact of culture and acculturation on the academic achievement of Hmong American college students (Doctoral dissertation, California State University, Fresno).